

**طرح پیشنهادی**  
**سازمان حقوق زن کرد**

**برای تدوین پلاتفرمی مشترک**



## ویژگیهای جنبش زنان

- به باور ما، امروزه ما زنان کرد، هم در داخل و هم در خارج کشور، نقش قابل توجه و بارزی در همه عرصه‌های سیاسی و مدنی داشته و بخش عمده‌ای از جنبش ملی کرد را تشکیل می‌دهیم. طبیعی است که ما همه یک دست و یک رای نیستیم. اما ورای همه اختلافات، خطوط مشترکی هستند که ما را به هم گره می‌زنند. ما زنان، باید در همه عرصه‌ها به مقابله با ستم جنسی و نابرابری برآمده از ساختاری مردسالار بپروازیم. همزمان ما، بعنوان زن کرد، بخشی از جنبش ملی ملتی هستیم که خود تحت ستم است. بمثابة شهروند و بعنوان عضوی از این جامعه، همه نتایج نابرابری جنسی و ستم اجتماعی را در همه زمینه‌ها آشکارا و بوضوح می‌بینیم. همزمان ما نباید ویژگیهای جمهوری اسلامی و عملکرد عمیقاً ضد زن آن را فراموش کنیم. برای مبنا مبارزه ما ضرورتاً بایستی دارای چهار ویژگی یا راستای متفاوت باشد: مبارزی برای عدالت اجتماعی، مبارزه بر ضد سیستم مردسالارانه، مبارزه بر علیه ستم ملی، و مبارزه بر ضد فرهنگ ارتجاعی جمهوری اسلامی.

- ثمره ساختار مردسالار جامعه کردستان، ستم ملی، و همچنین سی سال حکومت اسلامی، گسترش و تسلط فرهنگی بغایت ضد زن است که نه تنها از سوی نظام حاکم اعمال میگردد بلکه با کمال تأسف سر تا پای جامعه و ذهنیت اجتماعی ما را نیز آلوده کرده است و مرتباً از زوایای مختلف باز تولید میشود.

این ستم و نابرابری از سویی ریشه در زبان، جهان بینی و شیوه نگرش و اندیشه ما در مورد جنس، جامعه و انسان داشته و در کردار، رفتار، دیدگاه، ادبیات، موسیقی، حقوق، لباس، گفتار و غیره تجلی میابد و بخشی از نگرش و رفتار روزانه ما را تشکیل میدهد.

از سویی دیگر این نابرابری ریشه در شالوده و بنیادهایی دارد که تحت لوای خانواده، حزب، دولت، مدرسه و علم تعریفی ویژه از زن ارائه داده و زن را در جایگاهی بس پایینتر از مرد قرار میدهد. از زاویه حقوقی، ما نگاهمان در وهله اول به حقوق، ادب و رسوم، قوانین دولتی و همچنین نرمهای اجتماعی به شیوه‌ای است که به نابرابری زن و مرد مشروعیت میبخشد.

از جنبه ذهنی هم، تصویر ما از خویشتن و از جایگاه و نقش زن، باور گاه جوهرگرایانه ما به خصائص زنانه و غیره عامل دیگری برای بازتولید مکرر آن نابرابری و اسارت است.

براین اساس مبارزه ما باید در عمل همه این عرصه‌ها را دربرگیرد. به بیانی دیگر، مانع اصلی تحقق رویاها و آرزوهای ما، تسلط این فرهنگ است که تار و پود جامعه کردستان را فراگرفته است. نبرد و مبارزه اصلی ما هم با اندیشه، دیدگاه و طرز تفکری است که نه تنها بر مردان بلکه بر بخش قابل توجهی از ما زنان هم مسلط گشته است. اندیشه و

تفکری که زن را موجود کاملی نمیداند. تفکر غالبی که وظیفه و توانایی زن را تنها در پرورش فرزند و خانه‌داری میبیند.

- برای مبارزه با این فرهنگ، برای مبارزه با نتایج شوم سیاست حاکم بر ایران، و نیز برای تقویت پایگاه و تاثیرگذاری زن بر جنبش ملی، ما باید تحلیل خاص خود را از شرایط کنونی ارائه‌داده و ارزیابی و نتیجه‌گیری مختص به خود را از علل محرومیتها و اسارت‌مان داشته باشیم. در این راستا ما باید فعالانه در پروسه تولید دانش شرکت کنیم. ما اگر خواستار تغییر در شرایط موجودیم، باید علل ایجاد و تسلط این شرایط را دریافته، تاثیرات و عملکرد آن را بشناسیم و بدانیم بر کدامین پایه فکری، قانونی و اجتماعی استوار است. فراموش نکنیم که دانش بیطرف نیست و بیشتر اوقات علم و تفکر علمی غالب، نیرو و توان تفکر مسلط را افزایش داده به زیر دستی زنان مشروعیت میبخشد.

### جنبش زنان و مبارزه ملی

- اگر ما خواستار نقشی کلیدی در پروسه جنبش ملی و تدوین محتوای آن هستیم، باید ارزیابی مختص به خود از سیاست، حقوق، ناسیونالیسم و از آزادی و برابری زنان داشته باشیم. ما نباید این واقعیت را فراموش کنیم که سیاست از همان آغاز جنس‌گرا شده‌است، بدین معنی که تفکر غالب در سیاست و فعالیتهای سیاسی، در مبارزه ملی، در مبارزه طبقاتی و حزبی، تفکر مرد سالار است. این معنی که در جنبش کرد، با همه تنوع و گوناگونیهای درونی آن، آزادی جنسی و برابری زن و مرد به آزادی طبقاتی یا آزادی ملی گره خورده‌است. باید اساساً تغییر کند. بر چنین بستر غلطی است که از سویی مسئله برابری جنسی به ندرت مسئله‌ای جدی در این جنبشها تلقی شده و از سویی دیگر مشارکت فعالانه زنان برای تحقق آرمانهای این سازمانهای سیاسی هیچگاه ارزش و جایگاهی درخور نیافته‌است

- باید اضافه کرد که گرچه کسب حاکمیت ملی و رسیدن به خواسته‌های ملی، بخشی از اهداف اساسی ما را تشکیل میدهند، ولی نباید فراموش کرد که حاکمیت ملی و آزادی طبقاتی به خودی خود به معنی آزادی زن نیست. به همین دلیل لازم است که ما خواست برابری زن و مرد را آمیزه این جنبشها نموده و از این طریق برای دمکراتیزه کردن محتوای آن تلاش نمائیم. طبیعی است که ما زنان کرد هیچگاه خارج از جنبش طبقاتی و ملی نبوده و نیستیم. برای کسب نقشی بارزتر و کارآمدتر در این جنبشها ضروری است که بر نیروی خود بیفزاییم. برای رسیدن بدین هدف گام نخستین و وظیفه اصلی، به نظر ما، تلاش برای تشکل، همگرایی و هم فکری، فعالیت مشترک، و نیز خودآموزی و گسترش تواناییهای فکری مان است.

### چرا پلاتفرمی مشترک؟

- ما زنان کرد، هم در داخل و هم در خارج از کشور، دارای ده ها و صدها سازمان مختلف ایم. ولی بخش بسیار عمده‌ای از این سازمانها دارای برنامه و آجندای روشن برابری خواهی نبوده، یا این برنامه را موضوع اصلی فعالیت خود نمیدانند. بطور کلی علی الرغم وجود تعداد زیادی تشکل و سازمان متفاوت، ما زنان برای طرح و تدوین پلاتفرمی مشترک کوشش نکرده‌ایم. ما زنان کرد گروهی یکدست و با یک هدف نبوده، بلکه دارای سابقه و پایگاه متفاوت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، دینی، و طبقاتی هستیم و به همین دلیل و بطبع دارای، منافع، خواست، آرمان و اهداف مختلفیم.

- خلاصه کلام، ما نیازمند پلاتفرمی مشترکیم. پلاتفرمی که همه ما علی الرغم همه تفاوت‌هایمان حول آن گرداییم و مجموعه‌ای از خواست و اهداف مشترک خود را در آن بازیابیم. پلاتفرمی که بتواند وسیله‌ای شود برای اجماع توانیهایمان و برای تثبیت آجنداهایمان در صدر کارپایه جنبش طبقاتی و ملی. طبیعی است که این پلاتفرم مشترک از نظر محتوی پدیده تازه‌ای نبوده و دربرگیرنده همان آمال و آرزو و اهدافی است که از جایگاه‌های مختلف، در مراحل مختلف و با چارچوبهای گوناگون درراهشان مبارزه کرده‌ایم و برای تحقق شان کوشیده‌ایم.

- بدین منظور و در این راستای به انجام رساندن این تغییرات، روی سخن ما با همگی شما زنان شرق کردستان است، شمایی که به ستم و اسارت نه میگویید، شمایی که رویای جامعه‌ای برابر، بدون از فشار و سرکوب و بدون از تبعیض را در سر می پرورانید. روی سخن ما متوجه شما مردان کردی است که این نابرابری را مشکل جامعه و خودتان دانسته و برای تغییر آن آماده مبارزه مشترکی با ما هستید.

### نکات عمومی پلاتفرم مشترک

پلاتفرم مشترک برای اینکه سکویی باشد برای همکاری جناح‌های مختلف لازم است پلاتفرمی کلی باشد که مجموعه‌ای از نکات مشترک را دربرگیرد. ما زنان کرد شرق کردستان چه می خواهیم؟ بر مبنای کدام خطوط مشترک میتوانیم علی الرغم اختلافات سیاسی و عقیدتی متحد شویم؟

- به نظر ما محتوای توافق نامه سازمان ملل متحد برای رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان - CEDAW - (مصوبه سازمان ملل متحد، سال 1979) میتواند سرآغاز، منبع و ابزار مناسبی برای توافق برسر حقوق اساسی زنان و تدوین پلاتفرم مشترک باشد. تبعیض جنسی بر مبنای این توافق نامه عبارت است از هر نوع تبعیض سیاسی، قانونی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدنی، که بر اساس جنس اعمال شود. طبیعی است که این توافقنامه خطوط متفاوت بسیاری را در بر میگیرد که برخی از آنان ممکن است در شرایط ویژه کردستان و جنبش زنان این منطقه اهمیت بیشتری داشته باشند و اجرایشان اولویت زمانی ویژه‌ای داشته باشد. به باور ما این خود بستر مناسبی است برای دیالوگ و گفتگوی همه جانبه در مورد شیوه مبارزه،

نیازمندیهای امروزی جنبش زنان و نیز توافق برسر خطوطی عمومی که بتواند ما زنان شرق کردستان را به هم پیونددهد.

بندهای این توافق نامه عموماً بر اساس فهم و دیدگاهی دمکراتیک از جامعه پی ریزی شده است. ما میتوانیم نکات برجسته این توافق نامه را با توجه به شرایط ویژه کردستان بدین شرح دسته بندی نماییم:

### عرصه سیاسی

- زن و مرد باید از حقوق برابر برای رای دادن و کاندید شدن برخوردار باشند و هر نوع تبعیض برای ممانعت از مشارکت آنان در حاکمیت سیاسی باید رفع شود. این بدان معنی است که زن و مرد باید بتوانند با حقوقی برابر در روند طراحی و تنظیم چارچوب نظام سیاسی جامعه و دولت و همچنین در هدایت و اجرای قوانین و مصوبات مشارکت داشته باشند. برای نظارت بر اجرای درست این خواست، پیشنهاد میکنیم که سازمان رسمی مستقلی ایجاد گردد که امر ارزیابی و کنترل اجرای کامل اصل برابری زن و مرد در تمام ارگانهای دولتی را به عهده گیرد.

### عرصه قضایی

- زن و مرد در برابر قانون برابرند و اعمال هرگونه تبعیضی باید تعقیب و مجازات قانونی در پی داشته باشد. در این زمینه ازطرفی باید همه قوانین ضد زن، از جمله قانون ارث، شهادت، دیه و خون بها، حجاب اجباری و غیره ملغی شود و از سویی دیگر برای ریشه کنی عملکردها و رفتارهای فرهنگی ضد زن تضمینات قانونی تنظیم و اجرا گردد. به عنوان مثال ختنه زنان یا خشونت تحت لوای دفاع از شرف و ناموس و غیره بایستی مجازات قانونی در پی داشته باشد.

- در عرصه قوانین خانواده هم به همین ترتیب، باید برای تثبیت امر برابری زن و مرد همه قوانین جاری ضد زن ملغی شده و بر مبنای قانون، برابری زن و مرد در همه زمینهها از جمله حق انتخاب آزادانه همسر، حق طلاق، تقسیم برابر داراییهای خانواده پس از جدایی، برابری حقوق در امر تربیت فرزند و غیره تضمین شود. همزمان باید تدابیر لازم قانونی برای ریشه کن نمودن همه رفتارهای اجتماعی ضد زن و از آن جمله چند همسری، ازدواج بر مبنای زن در مقابل زن، ازدواج بر اساس خون بها، ازدواج قبل از سن هجده سالگی و غیره احراز شود.

### عرصه اقتصادی

- برای رفع ستم جنسی، لازم است که زمینه‌های ضروری تثبیت برابری زن و مرد در بازار کار تامین شود و مانع هر گونه تبعیضی شد که بازدارنده مشارکت زنان در این عرصه باشد.
- همچنین لازم است که شرایط مطلوب برای ورود فعالانه زنان به بازار کار فراهم شود. نمونه‌هایی در این زمینه عبارتند از: تامین مهد کودک برای فرزندان مادران شاغل، تامین نیازمندیها و توجه به ویژگیهای خاص زنانه، همچون حاملگی و داشتن نوزاد شیرخوار، بر اساس توافقنامه‌های بین المللی.

### عرصه اجتماعی

- برای مقابله با فرهنگ جامعه مرد سالار و تامین برابری جنسی، بغیر از ضرورت ایجاد تغییرات لازم در قوانین جاری که بدان اشاره شد، تلاش مداوم برای "به آموزی" و تاثیر گذاری مثبت بر آداب و رسوم رایج در جامعه امری ضروری است.
- بخش عمده عملکردهای ضد زن، که مورد "پسند" مستقیم یا غیر مستقیم جامعه است، ریشه در اصل حق زن بر جسم خود دارد که همانگونه که اشاره شد آئینه تمام نمای تفکر، دیدگاه، رفتار و عملکرد ارگانهای اجتماعی اند و مبارزه با آنان نیازمند برنامه‌ریزی درازمدت و تحولات بنیادین و پشتیبانی قضایی است که لازم است همه عرصه‌های اجتماعی را دربرگیرد.

### عرصه آموزش

- برای ریشه کن کردن هر نوع تبعیض جنسی تلاش اساسی برای تغییر سیستمی که تحت تسلط تفکر مرد سالار است و همواره از طریق سیستم آموزشی موجود بازتولید میشود امری ضروری است. این تغییرات باید هم در شکل و هم در محتوی باشد و شیوه آموزش، مکان آموزش، و نیز توانایی و درک آموزگاران و گیره را دربرگیرد.

### عرصه ملی

- اگرچه پیشتر تاکید کردیم که حاکمیت ملی ذاتا به معنی تضمین حق برابری جنسی نیست، ولی به نظر ما مبارزه برای آزادی زن را نمیتوان از مبارزه برای رهایی از ستم ملی جدا کرد. بر این اساس مبارزه ما باید برای تثبیت آن نظام سیاسی باشد که این توافق نامه را قبول داشته و بتواند برای تحقق آن فعالانه تلاش نماید. استقرار نظامی دیموکراتیک و سکولار که بر اساس اصل جدایی دین از دولت و متکی به انتخابات آزاد بتواند حاکمیت سیاسی را تضمین نماید پیش شرطی ضروری برای تحقق برابری زن و مرد است.

### سازمان حقوق زن کرد

خلاصه کلام، ممکن است که پیشنهادات و دیدگاه‌های ما برای رفع مشکلاتی که همه ما به وجودشان اذغان داریم با شما متفاوت باشد. ولی به نظرما توافق بر سر چند اصل اساسی در جارچوب پلاتفرمی مشترک گامی ممکن و ضروری در این راستا است و به همین دلیل بدین وسیله از همه برای تحقق این امر ضرور دعوت میکنیم.

---

آدرس صفحه اینترنتی سازمان حقوق زن کرد : <http://www.mjkorg.com>

آدرس ایمیل : [kurd\\_women@yahoo.com](mailto:kurd_women@yahoo.com)